



خبرنگار یک نشریه موسیقی انگلیسی ساعتی پیش از اجرای کنسرت گلدپلی به سراغ گروه رفته است. این نشریه از دیدار خبرنگارش با گروه، حال و هوای لحظات پیش از کنسرت و نیز جایگاه کنونی گلدپلی گزارش چاپ کرده که می‌خوانیم:

آن‌ها یک Radiohead جدید نیستند. Travis امسال هم نیستند. آن‌ها Coldplay هستند که صدای شخصی خود را دارند.

ساعت ۶ بعدازظهر یک دوشنبه گرم و آفتابی است. روی سردر مرکز هنری نورویچ اعلامی است که می‌گوید کلیه بلیت‌های اجرای امشب Coldplay تمام شده. اما مردم هیچ ابایی از نشستن روی زمین‌های چمن اطراف سالن که گرمای روز را به خود گرفته تازانند.

سالن کوچکی است. یک مرکز هنری و استعاضی غیرمعمول برای اجرای گروهی که اولین آلبوم‌اش مقام نخست را در جدول کسب کرده و Platinum شده. پشت صحنه، لطفای گروه کمی گیج و دست‌پاچه به نظر می‌رسند. اکثر آن‌ها در مواقع عادی هم همین‌طور هستند. این بختی از طبیعت‌شان است. کریس مارتنین برای نویسندگان نشریات امضا می‌کند و هیچ‌گاه فراموش نمی‌کند که از هم‌مشان از این که آمدند تشکر کند.

او می‌گوید: صادقانه بگویم، دوره بسیار عجیب و گیج‌کننده‌ای است. از آن وقتی که آلبوم بیرون آمده ما کمتر در انگلیس بودیم و در کشورهای مختلف اروپا تور داشتیم. حالا که برگشته‌ایم کمی سخته که اوضاع رو تحت کنترل خودمون دربیاریم.

او از یک راهرو عبور می‌کند و از چند پله بالا می‌رود و با تعدادی از مردم که از او امضاء می‌خواهند مواجه می‌شود. می‌رسد:

آیا مردم Yellow را (آخرین تک تیرانه آن‌ها) می‌شناسند؟ شانه بالا می‌اندازد و ادامه می‌دهد: آیا آن‌ها واقعاً ما را می‌شناسند؟ رو به من (خبرنگار) می‌کند و می‌پرسد: آیا شما آلبوم ما را گوش کردین؟ طبیعتاً بله.

اوه خدای من، ما اخیراً با تعداد زیادی روزنامه‌نگار آلمانی صحبت کردیم و آن‌ها همه چی چه ما را نمی‌شناختند. آیا ما واقعاً مشهور هستیم؟ مطمئناً. خصوصاً حالا که نامزد دریافت جایزه مرکوری شده‌اید.

دختره این اوج این خیلی خوبه، محتاطانه ادامه می‌دهد: به‌منظور اینه که این یه اتفاق غیرمنتظره خیلی خوبه. منظورم این نیست که ما استحقاقش رو نداشتیم، حتی با ما بود. یک جورهایی مثل مهمونی

شبهه فروشنده‌های دوره گرگ سده ایم

خیلی هم به جون بالاخره حدیث‌اش را می‌زدی، صحبتش را قطع می‌کند و نفس عمیقی می‌کشد. چهره‌ی از بطری آب معدنی که در دستش است،

غیرمنتظره نولده روز توداته و تو احتمالش رو می‌دی که ممکنه کسی برات مهمونی بگیره، درسته؟ اگر قبلش بهت گفته باشه، خوب برات غیرمنتظره می‌شه، ولی

می‌باشد. **Coldplay** یک‌شنبه گروه روز است. تنها سه سال پیش تشکیل شده و لهجه آن‌ها به طور شگفت‌انگیزی سریع است. همه آن‌ها از خانواده‌های طبقه متوسط هستند.

در ماه ژوئن آن‌ها در **Glastonbury** در مقابل ده‌هزار نفر به اجرا پرداختند. دیماه قبل هم در همین سالن با اجرای **Shiver** به لیست چهل ترانه برتر راه یافتند و دو هفته بعد از آن اجراء با سومین تک‌ترانه خود **Yellow** رتبه چهارم را به‌دست آوردند. روز بعد آن‌ها به عنوان **Radiohead** جدید ولی دلچسب و دوستانه و **Jeff Buckley** جدید ولی باروح و پرفروش معرفی شدند. متعجب گفتند که آن‌ها اسمال همان کاری را کردند که **Travis** در سال ۹۹ کرد.

شایعات بین این دو گروه گردیده است. اما هر دو قطعاً احساسی، برجسته و زیبا دارند که با گام‌های پرملمانیته بر فراز شده‌اند. آلبوم **Parachutes** به طور غیرمادی خوش‌ترکیب است، صدای گروه جلوتر از احساسات به پختگی رسیده است.

اعضای **Coldplay** به عنوان گروهی جدید که گسترده‌گی حمایت و فروش قابل توجه آلبومشان لذت می‌برند، گریس در موزز نامزدی گروه‌اش برای دریافت جایزه موسیقی مرکوری می‌گوید: هنوز نمی‌دانیم حتی‌حالت در مورد آن چیست. موفقیت عجیب، این‌طور نیست؟ به سختی مشغول پرداختن موانع از سرراه هستیم. اما سال مناسب برای آلبوم‌های بزرگ نبود. ما کاملاً می‌دانیم با پول جایزه (۲۵ هزار پوند) چه کار کنیم. بگذار بگویم به مصرف درست می‌رسانیم. شاید هم به یادش بدهیم. مسأله این نیست که به آن پول احتیاج داریم یا نه تا وقتی که پول کافی برای جوراب تمیز داشته باشیم، خوشبختانه.

آیا فکر می‌کنند که جایزه را می‌برد؟

گریس می‌گوید: «به نظر من **Badly Drawn Boy** باید برود و قطعاً از این خوشتر می‌آید»

جان باکند نظر دیگری دارد: «به نظر من **Primal Scream** باید نامزد می‌شد. آخرین آلبومشان عالی بود.»

گریس او را سرزنش می‌کند که جدی که نمی‌گویی چنان؟ تو هم نوسون حرف آن مگکی (مالک کمپانی **Creation Records**) روی می‌زنی. تو از کی از **Primal Scream** خوشتر آمده؟

جان: «من همیشه از او خوشتر می‌آومد. جدی می‌گم **Exterminator** یک آلبوم عالی» - انتقاله

سکونی کمپوزیشن تراست‌کننده بپنود می‌آید و سپس گریس از هم گروهش معذرت می‌خواهد و می‌گوید: «بیشتر مستطوری نداشتیم فقط نمی‌دانستیم تو از او خوشتر می‌آی، همین» رو به

خبرنگار می‌کند و با دستپاچگی می‌گوید: «این رو تو مصاحبه نگذارید. مکنه؟» - چرا؟

«منی خواهم به نظر برسد که ما جریبحث می‌کنیم، چون این طور نبود. فقط یک اختلاف‌نظر بود. مطمئناً گریس مارین مصاحبه‌های ایام و نوبل کلاسیک (تلفظی خرابه) **Oasis** گلستانه شماره ۲۸ را نخوانده است. خبرنگار می‌گوید: «هیچ مشکلی در اختلاف‌نظر وجود ندارد»

«باشه پس فقط بنویسید که جانی **Primal Scream** رو دوست دارم اما من هیچ وقت برای او‌ها وقت نداشتم»

این نمونه شخصیت **Coldplay** است. آدم‌هایی به شدت خوب‌ها و واقع نظر مگکی در مورد آن‌ها این است که خیلی راکندریل نیستند.

وقتی از سه عضو دیگر گروه در مورد شهرت ناگهانی سؤال می‌شود همشان مثل کسی جواب می‌دهند که انگار از سیست مسئول قفسه‌های یک سوپرمارکت محلی به بیست صندوق‌داری رسیده‌اند.

گریس مارین فرد مگکی نیست. در شعارش با یک نوع همدلی خاص از رنج و تشویش سخن می‌گوید. همان‌طور که خودش اظهار می‌کند: «از زبان نوجوانی می‌گویم که تنها در انتقال می‌شنیده انتظار جوانی را دارد که از نام‌آملات دنیا بیانی بست و بی‌حال داشته باشد، اما او کاملاً پرمسک است. چشمش ناآرامی‌اش مدام می‌بویست است. انگار که ادراکات فانتازسرای زمین همیشه پسر او فرود می‌آید. او هیچ‌گاه مشروب نمی‌نوشد، سنگ‌گرم هم نمی‌کشد و قسم نمی‌خورد. لبخندش چهره‌ی دیوانه به او می‌دهد»

او می‌گوید: «این روزها ما همیشه خسته‌ایم. چاله که صبح‌ها می‌تولیم از خواب بلند می‌شویم. می‌دانیم نمی‌توانیم به یاد بیاوریم بار چه وقت نستیم و یک آهنگ ساختیم. اصلاً وقت نداریم»

پس از ۲۱ جولای که **Coldplay** در تور شروع کنسرت داشته به ژاپن رفته و فردا قرار است که به برتقال برود. اوقات آن‌ها، این روزها این‌گونه می‌گذرد. فرصت خوابی که می‌تولیم موسیقی‌دان رو به کشور‌های مختلف ببریم. اما خسته‌کننده هم هست. مثل فروشنده‌های دوره‌گرد شده‌ایم. وقتی از ژاپن برگشتیم، تبلیغ آلبوممان را در تلویزیون دیدیم. من هیچ ایده‌ی واضحی به این‌که از تلویزیون تبلیغ بشیم نداشتیم. انگار که ننگ‌گانه یا همچون چیزی هستیم، چنان‌طور که می‌خوانند و فکر می‌کنند.

اما فکر می‌کنیم، در نهایت، چیز خوبی‌ها تا حد اکثر مسکن طیف مخاطبانمان را گسترش می‌دهیم. به‌مرحال این یک موسیقی خوبه.

گریس مارین از چیزی حرف می‌زند که تا به حال

نگفته بود.

«می‌دانم که به نظر مردم ما آدم‌های بسیار متواضعی هستیم اما گاهی فکر می‌کنم که برای مردم آن قدر اهمیت ندارد که ما به چه اندازه خودمون رو موفق می‌دانیم. موسیقی ما خوبه من هیچ وقت قبلاً این‌رو نگفته بودم ولی حلال برای اولین بار به مجله شما می‌گویم»

می‌خندد. گلویش را صاف می‌کند. نفس عمیقی می‌کشد و ادامه می‌دهد: «هی‌شک ما گروه عالی‌بی هستیم در واقع یکی از بهترین ۱۰ گروه دنیا. ما به نظر محافل این‌طوره... نمنه این یک واقعیته و من با چنگ و دندان از این موفقیت دفاع می‌کنم. موفقیت **Yellow** و آلبوم یک اشتباه ترخشان و کوزر کننده نبود. حتی ما بود. خیلی راحت نیست که این حرف‌ها رو ما صدای بلند فریاد بزنیم. اما من عاشق این گروه هستم و به خاطر اون‌ه که صبح‌ها از خواب بیدار می‌شیم»

گریس مارین **Yellow** را در یک اجرا این‌گونه معرفی می‌کند:

«در دهه **Bohemian Rhapsody ۷۰** کوپین بود، در دهه **Rio ۸۰** از **Duran Duran**، در دهه **۹۰ Runaway Train** از **Soul Asylum** و حالا ما **Yellow**»

گریس مارین خجولانه می‌خندد و می‌گوید: «آن‌چه من می‌خواستم بگم این بود که من نظر من این نطقه بسیار مهمی است. می‌دانم، پیش از این گروه، ما همه در گروه‌های کوچک مرفه‌سوی بودیم. و هیچ‌کدام در آن حالت به جای نمی‌رسیدیم. اما پس از آن جانی را در دانشگاه دیدیم، درست مثل این بود که... نمی‌دانم، چطور بگم... انگار که هندوستان ما از او با برخورد کرده‌ام. دو منطقه وسیع به هم رسیده باشند و گریس و جانی به هم مشت می‌زنند و می‌خندند. او وقتی که گای و ویل آمدند... انگار... شرق و غرب به ما پیوسته‌اند. حس ما همیشه همین‌طوره. هر وقت که با هم می‌نوازیم»

با توجه به ترون مایه آلبومشان نحوه طراحی صفحه اجرا مثل اجزای غم‌انگیز کلیسای است و نورهای آرام و کم بسیار سرگرم‌کننده است. گریس کسی است که روی صحنه زیاد صحبت می‌کند و شوخی‌هایی با شنوندگان می‌کند.

«صادقانه بگم، سخته که وقتی روی صحنه هستیم نخوانیم چون واقعاً لحظات خوب و فوق‌العاده‌ی داریم. اما اخیراً نداشتیم راجع به اجراهایمان حرف می‌زدیم. حالا تعداد زیادی آدم به اجراهای ما می‌آیند، آیا ما باید بدون می‌دانیم؟ آیا باید بین قطعات ساکت باشیم، و شعور جزای مارون با هر رخ مردم بکشایم؟ فکر می‌کنیم اشکالی نداشته باشد با مردمی که پول دادند تا به کنسرت بیایند، گویی بزنیم»